



تمام آن زیبایی و خونریزی | لورا پویتراس

ALL THE BEAUTY AND THE BLOODSHED

جدال بین هنر و ثروت

نانسی گلدین، عکاس و فعال اجتماعی آمریکایی، پس از آنکه در اثر اعتیاد به اکسی کانتین به ورطه‌ی نابودی می‌افتد، مسئولیت این اتفاق و افرادی شبیه به خود را متوجه شرکت داروسازی پوردو که متعلق به خانواده‌ی سکراست می‌داند. او یک گروه کنشگر اجتماعی به نام IPAIN ایجاد می‌کند و با برپایی تظاهرات به ویژه در مراکز فرهنگی و هنری مهم جهان مثل موزه‌های متروپولیتن، لور و گوگنهایم سعی می‌کند تا جامعه‌ی هنری را متوجه سرچشمه‌ی کثیف‌ش‌بان‌های حمایت مالی از هنر کند. همین کنشگری باعث می‌شود تا موزه‌ها ارتباطشان را با خانواده‌ی مالی سکراست قطع کنند و شرکت پوردو در سال ۲۰۲۱ اعلام ورشکستگی کند. مستند «تمام آن زیبایی و خونریزی» برای اولین بار در جشنواره ونیز در سال ۲۰۲۲ به نمایش درآمد و البته جایزه و شیر طلایی جشنواره را از آن خود کرد. این فیلم در هفت فصل که در آغاز هر کدام یک سکانس عکاسی قرار دارد، به دوره‌های مختلفی از زندگی نین گلدین می‌پردازد و البته بیشتر متمایل به داستان مبارزه او با خانواده‌ی سکراست است. کارگردان مستند، خانم لورا پویتراس، خیلی صریح و واضح می‌گوید که خودش (والدین یک نسل از فیلمسازان نوگرا) شدیدا متأثر از گلدین بوده و هنر و دیدگاهش را برای سال‌ها از او وام گرفته است. این شیفتگی نسبت به آراء و شخصیت گلدین در این مستند هم آشکارا دیده می‌شود. پویتراس که بیشتر هم با مستند «شهر وند شماره چهار» که درباره‌ی ادوارد اسنودن ساخته بود، برنده‌ی جایزه بهترین فیلم مستند از آکادمی شده، این بار با یک پرتره درباره‌ی یک شخصیت جنجالی دیگر که به جنگ با مصادرات قدرت و ثروت رفته است بخت خود را می‌آزماید. سخن آخر اینکه، گرایش و تمرکز گلدین بر رفتارها و مسائل همجنسگرایان بخشی از هویت حرفه‌ای اوست و در این اثر هم که به نوعی پرتره‌ی او محسوب می‌شود این وجهی نظر پیداست. مخاطبان پیگیر و حرفه‌ای تر فیلم‌های جشنواره‌ای به خصوص در مورد جشنواره‌هایی که سوبه‌های سیاسی و غیرهنری پررنگ‌تری دارند، می‌دانند که قرار دادن عناصر اینچنینی در محصولات هنری به شدت مورد علاقه‌ی سیاست‌گذاران این جشنواره‌هاست و از این رو می‌توان نامزدی یا جوایز پیشین این مستند را متأثر از این نامزدی یا جوایز آکادمی اسکار و در مورد فیلم‌های مستندی که در سال ۲۰۲۳ نامزد شده‌اند، به نظر می‌رسد توجه به جو غالب ضدروسی و هم قرار دادن یک فیلم در حال و هوای نین گلدین در سبد جشنواره، در انتخاب آثار موثر بوده است و چه بسا فیلم‌هایی که ارزش هنری یا استنادی بیشتری داشته و از فهرست جامانده‌اند.

اینجا لیسبجانسک در شرق اوکراین است، جایی که صدای توپ و خمپاره‌ی جنگ از فاصله‌ای نه چندان دور شنیده می‌شود. سایمون لرنگ ویلمونت یک بار دیگر سراغ مسئله‌ی کودکان و تابآوری آن‌ها در شرایط بد اجتماعی به ویژه زندگی آن‌ها در مناطق جنگی اوکراین رفته است، او که پیشتر با مستند موفق «پارس سگ‌ها در دور دست» که درباره‌ی زندگی یک نوجوان ده ساله اهل ماریوپل در جنگ دونباس در سال ۲۰۱۷ بود، جوایز متعددی از جمله جشنواره ایدفا را از آن خود کرده بود، این بار هم سراغ همان موضوع رفته و حالا با مستند «خانه‌ای از تکه پاره‌ها» بخت خود را برای جایزه‌ی اسکار سال ۲۰۲۳ می‌آزماید. فضای خانه همانقدر که کودکان است و در خود معصومیت‌ها و شیطنت‌های همزمان را جای داده، سخت و خشن نیز به نظر می‌رسد، جایی که پس از نه ماه برادرها و خواهرها باید از هم جدا شوند و دوستانی که به هم خو کرده‌اند خداحافظی کنند، با موقعی که خانم مدیر کمی با تحکم به پسرها می‌گوید: «چندتا از شما امروز به یتیم‌خونه می‌رید، گریه نکنید، وسایلتون رو تا ساعت ۹ ببندید»

در مستند، روی چهار کودک تمرکز شده است، که هر کدام سرنوشته متفاوت دارند، یکی را مادر بزرگ به خانه برمی‌گرداند، یکی به یک خانواده‌ی جدید سپرده می‌شود، آن دیگری را به یتیم‌خانه‌ی دولتی تحویل می‌دهند و آخری همچنان منتظر می‌ماند و مخاطب در چشم همه‌ی شان حسرت و دروغ را می‌بیند و این سوال سرد و تلخ که «جرم من چیست که باید در چنین شرایطی قرار بگیرم»

همراهی مستمر ویلمونت با کودکان باعث شده تا او را به خلوت‌نگاه‌های خود راه دهند، مثلاً هم با پسر بچه‌ها در حیاط پشتی موقع پنهانی سیگار کشیدن باشد و هم در اتاق کوچک پیشگویی دخترها، جایی که یکی شان آینده دوستش را اینطور در گوی چرخان ستاره‌های می‌خواند: «بابا و مامانت دیگه الکل نمی‌نوشن، بعد، جلسه دادگاه برگزار می‌شه و تو می‌ری خون، امامی بینم که مادرت می‌میره و تو به یه خانواده سپرده می‌شی و اون‌ها تو رو به بردگی می‌گیرن»

بچه‌ها همینطور می‌آیند و می‌روند، اوضاع بیشتر از آنکه ناشی از شرایط جنگی باشد متأثر از شرایط اجتماعی اوکراین است و بیشتر از صدای محو انفجارها از پدر و مادرهای بی‌مسئولیت بچه‌ها ناراحتیم، اما وقتی در فیلم نوشت پایانی در می‌بایم که یک ماه بعد از پایان فیلم و در فوریه ۲۰۲۲ جنگی گسترده در اوکراین آغاز شد و همه‌ی کشور را فراگرفت، با خود حدس می‌زنیم که حتماً اوضاع از این که هست هم بدتر خواهد شد.



گرایش و تمرکز گلدین بر رفتارها و مسائل همجنسگرایان بخشی از هویت حرفه‌ای اوست و در این اثر هم که به نوعی پرتره‌ی او محسوب می‌شود این وجهی نظر پیداست. مخاطبان پیگیر و حرفه‌ای تر فیلم‌های جشنواره‌ای به خصوص در مورد جشنواره‌هایی که سوبه‌های سیاسی و غیرهنری پررنگ‌تری دارند، می‌دانند که قرار دادن عناصر اینچنینی در محصولات هنری به شدت مورد علاقه‌ی سیاست‌گذاران این جشنواره‌هاست و از این رو می‌توان نامزدی یا جوایز پیشین این مستند را متأثر از این نامزدی یا جوایز آکادمی اسکار و در مورد فیلم‌های مستندی که در سال ۲۰۲۳ نامزد شده‌اند، به نظر می‌رسد توجه به جو غالب ضدروسی و هم قرار دادن یک فیلم در حال و هوای نین گلدین در سبد جشنواره، در انتخاب آثار موثر بوده است و چه بسا فیلم‌هایی که ارزش هنری یا استنادی بیشتری داشته و از فهرست جامانده‌اند.